

حقوق پدید آورندگان و قراردادهای الکترونیکی^۱

ترجمه صفرا واعظی نژاد

اشاره

نویسنده ابتدا ضرورت طرح قوانین حقوق پدید آورندگان و محدودیت‌های آن را بررسی کرده است. او معتقد است لزوماً باید این استثنائات و محدودیت‌ها بار دیگر مورد ارزیابی قرار گیرند. بحث مهم‌تر در این مقاله دربارهٔ مواجهه کپی‌رایت با دو چالش است. چالش نخست انعقاد قراردادهای الکترونیکی میان صاحب اثر و خریداران آن است. البته این امر مزایا و شاید مضراتی را نیز به همراه داشته باشد. چالش دوم اقدامات نظارتی فنی جهت جلوگیری از نقض حقوق انحصاری مؤلفان است. این امر نیز از مزایا و مضراتی برخوردار می‌باشد که این مقاله به تفصیل از آن سخن می‌گوید. با توجه به این مسائل، اخیراً گرایش به سوی انعقاد قراردادهای الکترونیکی و اقدامات نظارت فنی افزایش یافته است. بحث اصلی در این مقاله این است که آیا با وجود این دو چالش، توازن موجود در زمینه کپی‌رایت باقی خواهد ماند یا خیر.

با پیدایش و بسط چاپ و نشر الکترونیکی و توسعه فناوری اینترنتی، کپی‌رایت در دو راهی حساسی قرار گرفته است.^۲ قانونگذاری‌های آینده باید تعیین‌کنندهٔ سرنوشت آن باشد. هم اکنون این پرسش مطرح است که کپی‌رایت به عنوان نظامی که توانایی ایجاد توازن بین مصالح و ارزش‌های اجتماعی و منافع اقتصادی صاحبان آثار را دارد، باقی خواهد ماند یا نظام جدید با تنظیمات دیگری جایگزین آن می‌شود؟ به طوری که نظام جدید ساختار بسیار متفاوت دیگری را در برخواهد داشت.

در نظام جدید حقوقی، اصلی‌ترین عنصر نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی، قراردادهای الکترونیکی است. زیرا این قراردادها محور اصلی ساختار جدید است و از دیگر سو این قراردادها کارآیی حقوق پدیدآورندگان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو تدبیرهایی لازم است تا با سامان یافتن این پیمان‌ها، کارآمدی تولیدکنندگان آثار نیز افزایش یابد.

پیشرفت قوانین کپی‌رایت باید همگام با پیشرفت‌های فنی و ارتباطی باشد. یعنی قانونگذارهای حقوق مؤلفان باید بر اساس رهیافت‌های الکترونیک و دیجیتال شکل گیرد. اینکه بخواهیم قوانین حمایتی وضع کنیم که پدیدآورندگان را در عصر الکترونیک و ارتباطات کارآمد کند ولی ذهنیت دهه‌های گذشته بر تقنین سیطره داشته باشد، در واقع اجحافی در حق پدیدآورندگان است. همه تلاش این مقاله اینست که وضعیت جدید را معرفی کند. وضعیت جدیدی که جوهره و ماهیت آفرینه‌ها تفاوت یافته و به تبع آن باید حقوق پدیدآورندگان نیز متناسب آن تنظیم گردد.

رسالت کپی‌رایت

دفاع از حقوق معنوی به عنوان نیرویی که جامعه‌ها را به تحرک وامی‌داشته، همواره مطرح بوده است. این نظام حمایتی با هماهنگی کامل با ارزش‌های بنیادین بشری به تقویت اهداف حیاتی اجتماع می‌پرداخته است. به ندرت می‌توان مجموعه‌ای از قوانین را یافت که تأثیر آن بر توسعه فرهنگ، دسترسی به امکان اقتصادی و شرایط گفتمان سیاسی بیش از کپی‌رایت باشد. چنان‌چه کپی‌رایت به نظامی متشکل از حقوق انحصاری مستحکم تبدیل نشده بود، هرگز قادر به ایجاد چنین نقشی نمی‌بود. نویسندگان پیش از آن که به مجموعه مستحکمی از حقوق انحصاری دست یابند، فاقد توانایی اقدام شایسته برای ممانعت از سرقت محصول ابتکاری خویش بودند از این‌رو انگیزه و اشتیاقی برای خلق آثار در جهت منافع عامه وجود نداشت. قوانین مستحکمی که «کنوانسیون برن» وضع کرد و کلیه کشورهای عضو را ملزم به اعمال آن کرد مسبب و عامل پیشرفت‌هایی در زمینه فن‌آوری شد. نتیجتاً وضعیت را به سطح بی‌سابقه‌ای از خلاقیت و نشر آثار رساند. بنا بر این کلیه افراد دارای حسن‌نیت باید قداست این مجموعه کارآمد حقوق انحصاری را به منزله مقدمه اصلی هر نوع گفتمان درباره حقوق پدیدآورندگان بپذیرند.

اما این گفت‌وگو با چنین فرضی به انتها نمی‌رسد. در حقیقت، در نظام کپی‌رایت محدودیت‌های خاصی برای حقوق انحصاری در نظر گرفته می‌شود. در عین حال نباید اجازه

دهیم این محدودیت‌ها حقوق انحصاری را غیرقابل استفاده کنند یا اشتیاق نویسندگان را برای خلق آثار تضعیف نمایند. این محدودیت‌ها لازمه حفظ توازن مناسب و دستیابی به اهداف حیاتی اجتماع هستند. پروفیسور اسپور^۳ در سخنرانی خود در انجمن بین‌المللی ادب و هنر در دانشگاه کمبریج به وضوح اظهار داشته است:

کپی‌رایت طی سال‌ها به نظام حقوقی انحصاری و نیرومندی تبدیل شده است. بهره‌گیری از فعالیت‌های حمایت شده دیگران مستلزم مجوز صاحب اثر است که معمولاً در ازای پرداخت وجه اعطا می‌شود یا بدون هیچ‌گونه بحثی مورد امتناع قرار می‌گیرد. اما چه بسا گاهی حقوق انحصاری صاحب اثر با منافع دیگران که اهمیت آن کمتر از منافع صاحب حق نیست در تعارض باشد. در نتیجه، قانون چنین حکم می‌کند که در برخی مواقع و تحت برخی شرایط خاص می‌توان از آثار حمایت شده بدون مجوز یا حتی بدون پرداخت غرامت، بهره‌برداری کرد. محدودیت‌های کپی‌رایت را نمی‌توان خدشه‌ای به این عرصه دانست، بلکه این محدودیت‌ها جدا از عنوان شدن به منزله ضمیمه جزئی برای مقررات این نظام، مکمل تفکیک‌ناپذیر حقوق انحصاری هستند. آن‌ها در کنار یکدیگر می‌توانند بخش مهم توازن میان حقوق نویسندگان و مصالح اجتماع را صورت دهند.^۴

با اینکه محدودیت‌ها و استثنائات نظام کپی‌رایت در کشورهای مختلف متفاوت است. لکن چارچوب کلی این نظام تقریباً در کلیه کشورهای پذیرنده نظام کپی‌رایت اشتراک‌هایی دارند. به طور مثال هر کشوری برای مدت حمایت از اثر، سقفی قائل است و بدیع بودن اثر در سراسر جهان به منزله شرط لازم حمایت از کپی‌رایت مورد توجه است. نظریه اصلی دیگری که سراسر دنیا به آن پایبند هستند، دو شاخگی عقیده بیان است. از بیان اصیل و ابتکاری حمایت می‌شود، اما از عقیده، خیر.^۵ جدا از محدوده‌های تقریباً عمومی کپی‌رایت، در مورد برخی محدودیت‌ها و استثنائات،^۶ اگر نگوییم در کلیه کشورها، در تعداد بی‌شماری از آن‌ها اشتراک نظر دیده می‌شود. به طور مثال بسیاری از قوانین کپی‌رایت، محدودیت‌ها و استثنائات موجود در زمینه مقاصد ذیل را به نحوی دارا می‌باشد. تحقیق علمی، نقل قول، نقد، ارائه گزارش خبری، کاربردهای آموزشی، بایگانی، استفاده در محاکم قضایی یا دادگستری، بهره‌برداری انحصاری در کتابخانه و موزه، استفاده شخصی و استفاده افراد ناتوان و معلول.

استثنائات دیگر از گسترش کمتری برخوردارند.^۷ برخی از آن‌ها حاکی از ارزش‌ها و اصول مهم کشور خاصی هستند. در حالی که بقیه به ظاهر تا حدودی عجیب و چه بسا صرفاً برای تأمین منافع خاص داخلی قدرت‌های نفوذگر در دستگاه‌های حاکم باشند. به طور مثال، کشور سوئد برای برخی بیمارستان‌ها و مؤسسات مشابه در زمینه ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی استثناء قائل است. این استثناء تا حدی است که برنامه‌های ضبط شده، در محدوده آن نهاد صرفاً به مدت کوتاهی مورد استفاده واقع می‌شوند.

برخی محدودیت‌ها و استثنائات نظام کپی‌رایت با توجه به اصول زیربنایی و اهداف آن‌ها بنیادین به حساب می‌آیند. اما در مورد بقیه این‌گونه نیست. شرط بدیع بودن که معمولاً مستلزم حداقل خلاقیت در اثر قابل حمایت است، به ظاهر در کنار سایر موارد، حاکی از عملکرد اصلی کپی‌رایت جهت ایجاد انگیزه و محرک خلاقیت و از این رو، نسبتاً اساسی به نظر می‌آید. در ضمن سایر محدودیت‌ها نظیر مدت حمایت و تمایز بین عقیده - بیان با نقش حیاتی کپی‌رایت در میانجی‌گری میان پدیدآورندگان سابق و آینده مرتبط است. نویسندگان، و در معنای وسیع‌تر آفرینندگان و مبتکران آثار بر دوش کسانی سوار می‌شوند که پیش از آن‌ها حرکت کرده‌اند و هر صورت از قانون کپی‌رایت باید محدوده‌های میان حقوق انحصاری نویسنده و فرصت نویسنده دیگر برای خلق آثار بر اساس میراث فرهنگی و بدیع موجود را مشخص کند.

قانون کپی‌رایت به جز واسطه‌گری میان آفرینندگان گذشته و آینده باید به ایجاد تعادل و توازن میان منافع خاص صاحبان کپی‌رایت و مصالح گسترده‌تر عموم بپردازد. همان‌گونه که در مجامعه کپی‌رایت واپیو آمده است، بنابر مسائل مطرح شده در کنوانسیون برن، حفظ توازن حقوقی نویسندگان و مصالح گسترده‌تر عموم، به خصوص تحصیل، تحقیق و دستیابی به اطلاعات امر لازمی می‌نماید. عامه مردم در عین حال که از مصالح و منافع حیاتی مسلمی در تقویت خلاقیت با حمایت حقوقی قوی و انحصاری برخوردارند، منافع حیاتی دیگری نیز دارند که هر نوع نظام کپی‌رایت موظف به حفظ آن‌ها است. به خصوص آن‌که قانون کپی‌رایت باید به برخی ارزش‌ها و آزادی‌های اساسی نظیر آزادی بیان، دستیابی عموم به اطلاعات و فرهنگ و همچنین آسایش عموم احترام بگذارد. اکثر محدودیت‌ها و استثنائات رایج فوق‌الذکر تأمین‌کننده این چنین مقاصدی هستند. به طور مثال استثنائات به جهت نقل قول، انتقاد و تکمیل مطلب عمدتاً در راستای حفظ آزادی بیان است. همچنین استثنائات مورد نظر در برخی زمینه‌ها مانند خبرگزاری، آموزش، کتابخانه و موزه عمدتاً با هدف تسهیل دسترسی عموم به اطلاعات و فرهنگ مطرح می‌شوند. مقصود از طرح استثنائات مرتبط با استفاده افراد معلول از خدمات موجود نیز تواناسازی شهروندان معلول در جهت بهره‌گیری یکسان از فرهنگ و اطلاعات جامعه است. افزون بر این به نظر می‌رسد معافیت‌های استفاده شخصی، حداقل تا حدودی با هدف توجه به نگرانی‌های موجود در زمینه حفظ آسایش مردم در نظر گرفته شده‌اند.

اخیراً استثنائات کپی‌رایت به تدریج نقش جدید این نظام را به منزله نوعی حمایت از مالکیت «نیمه صنعتی»^۸ منعکس می‌کنند. مشهورترین نمونه این نوع استثنا، استثنائات مطرح

شده راجع به «مهندسی معکوس»^۱ در «رهنمودهای شورای اتحادیه اروپا در ارتباط با برنامه‌های رایانه‌ای»^۲ است. بنا بر این بهره‌گیری از مورد استثنائی که چنین فعالیت‌هایی را مجاز نماید، به امر لازمی مبدل شد.

این استثناء در چارچوب فن‌آوری برنامه‌های رایانه‌ای، نقش کپی‌رایت در میانجی‌گری میان پدیدآورندگان سابق و فعلی را اجرا می‌کند و این موضوع به گونه‌ای است که محدوده دسترسی آفرینندگان جدید به کد برنامه‌های رایانه‌ای موجود را به منظور ساختن برنامه‌های سازگار خویش مشخص می‌کند. این استثناء به منافع عموم یعنی قابلیت برقراری ارتباط داخلی بین برنامه‌های رایانه‌ای نیز جامه عمل می‌پوشاند.

ارزیابی مجدد حقوق و استثنائات در عصر دیجیتال

آغاز حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای که البته همان آثار دیجیتالی هستند، پیش‌گفتار موضوعاتی را می‌سازند که اکنون در متن انقلاب دیجیتالی وسیع‌تری با آن‌ها مواجه هستیم. قانون‌گذاران همان‌گونه که به حمایت از آثار رایانه‌ای تحت قوانین کپی‌رایت فعلی پرداختند، اکنون باید به بررسی این مسئله هم بپردازند که آیا قانون موجود همچنان حمایت شایسته را به عمل می‌آورند یا خیر. همچنین آنان باید موقعیت محدودیت‌ها و استثنائات نظام کپی‌رایت را مورد ارزیابی قرار دهند. همان‌گونه که پروفیسور اسپور اظهار داشته است:

«تأثیر پیشرفت‌های فن‌آوری احتمالاً بر استثنائات بیش از حقوق می‌باشد. قوانین غالباً به نحو کلی و قابل انعطافی (به طور مثال، «برقراری ارتباط با عموم»، یا «بازآفرینی») بیان می‌شود که به راحتی قابل تمهیم به فن‌آوری‌های جدید است. اما استثنائات اغلب خاص‌تر هستند. مختصر این‌که حقوق غالباً به خودی خود اقتباس و تنظیم می‌شوند. این در حالی است که استثنائات را باید اقتباس و تنظیم کرد. به دنبال این مطلب باید گفت حتی اگر قانون متضمن راهکار متعادلی باشد، جریانات و تحولات متعاقب احتمالاً این نوع تعادل را بر هم می‌زنند، مگر آن‌که به نوعی ساز و کار درونی دسترسی داشته باشد که بتواند تفسیر استثنائات را نیز تنظیم و اصلاح نماید.»

در برخی موارد چه بسا مبانی یا نحوه بیان استثنائات موجود «صرف تبدیل و وارد ساختن آن‌ها به فضای دیجیتالی را توجیه نکند». بنا بر این لازم است اصول و شیوه بیان هر استثناء به منظور تعیین و تصمیم‌گیری راجع به حذف یا تنظیم مجدد آن مورد ارزیابی واقع شود. برخی استثنائات باید با هدف محدود کردن اعمال آن‌ها در فضای دیجیتالی مرور شوند و برخی دیگر را باید تعمیم داد تا با توجه به توسعه طبیعی حقوق مزبور، دستیابی مداوم به توازن مورد نظر تضمین شود.

علاوه بر این همان گونه که در بیانیه مورد توافق ماده ۱۰ معاهده کپی‌رایت وایپو آمده است، چه بسا «طرح استثنائات و محدودیت‌های جدیدی که شایسته محیط شبکه‌ای دیجیتالی شده باشد»، امر ضروری به نظر آید.^{۱۱} در واقع هنگامی که کپی‌رایت به تدریج در مورد برنامه‌های رایانه‌ای اعمال شد، لزوم اتخاذ استثنائات جدید برای شرح برخی پیامدهای ناگوار اعمال حق بازآفرینی و سایر حقوق نسبت به چنین آثاری احساس شد. البته کلیه استثنائات جدید که مجدد تنظیم شده است، باید با مواد مصوب در مجمع برن منطبق باشند.^{۱۲}

صرف نظر از نتایج دقیق ارزیابی مجدد محدودیت‌ها و استثنائات فعلی نظام کپی‌رایت، این جمع‌بندی مشخص می‌کند تعداد و نحوه بیان محدودیت‌ها و استثنائات در نهایت، به همانندی گذشته نخواهد بود، اما این محدودیت‌ها که به منظور انعکاس واقعیات جدید تعدیل شده‌اند، در مقایسه با گذشته مشابه، هم‌چنان برای جامعه‌ای که در عصر دیجیتال قرار دارد، حیاتی خواهد بود. با پیدایش فن‌آوری دیجیتالی، این محدودیت‌ها و استثنائات را نمی‌توان «صرفاً خدشه‌ای به قلمرو کپی‌رایت» دانست. محدودیت‌ها همواره متمم تفکیک‌ناپذیر حقوق انحصاری هستند و جوامع به ظاهر، در عصر دیجیتال خواستار حفظ تقریبی همان توازن موجود در نظام کپی‌رایت هستند که در گذشته پاسخ‌گوی آنان بوده است.

حتی اگر قانون‌گذاران نیز در تنظیم دقیق حقوق، محدودیت‌ها و استثنائات کپی‌رایت تا حدی موفق باشند که بتوانند توازن فعلی کپی‌رایت را حفظ کنند، دو چالش مهم دیگر باقی خواهد بود. چالش‌های مزبور از آن‌جا ناشی می‌شود که کپی‌رایت به سرعت در حال پیوستن به دو ابزار دیگر حمایت از منافع صاحبان حقوق، یعنی قراردادهای الکترونیکی و اقدامات تأمینی فنی جهت جلوگیری از نقض کپی‌رایت است. به رغم این که تنظیم قوانین مرتبط با اقدامات فنی موضوع اصلی این مقاله به شمار می‌آید، ظاهراً ارایه مطالبی چند راجع به مسائل کپی‌رایت که می‌تواند تغییراتی چند در قراردادهای الکترونیک ایجاد نماید، امر شایسته‌ای باشد.

صاحبان کپی‌رایت تاکنون به انعقاد پیمان با مصرف‌کنندگان آثار مبادرت نورزیده‌اند. به طور مثال خریداران کتاب یا لوح فشرده به ندرت در مورد نحوه بهره‌گیری یا انتقال چنین آثاری قرارداد منعقد کرده‌اند. اما امروزه تحولات به وجود آمده در عرصه فن‌آوری به تدریج، ابزاری را در اختیار صاحبان حقوق پدیدآورندگان قرار می‌دهد که به موجب آن‌ها بتوانند به انعقاد قراردادهای الکترونیکی با خریداران آثارشان بپردازند. با کمک اینترنت می‌توان برای برنامه‌های رایانه‌ای به دنبال مجوزهای موسوم به «کلیک کنید» بازاریابی کرد و در واقع، آن‌ها را به

فروش رسانید. در حقیقت به دنبال افزایش رایانه‌ای شدن و نشر و توزیع آثار بر شبکه‌های اینترنتی، احتمالاً اکثریت قریب به اتفاق آثار دستخوش قراردادهای الکترونیکی بدون مذاکرات مقدماتی می‌شوند.

این توانایی نوظهور صاحبان کپی‌رایت در زمینه انعقاد مستقیم پیمان با مصرف‌کنندگان آثارشان، از بسیاری جهت‌ها مطلوب است. بدین طریق هزینه انعقاد قرارداد کاهش می‌یابد و شیوه‌های جدیدی برای رفع نیازهای مصرف‌کنندگان ابداع می‌شود. قراردادهای الکترونیکی با توانمند ساختن صاحبان حقوق نسبت به انطباق ویژگی‌های محصول و نیز قیمت آن با نیازهای خاص مشتریان، راه را برای تمایز شدیدتر هموار می‌سازد. این شیوه انعقاد قرارداد باید حقوق را ارزشمندتر کرده و در عین حال مصرف‌کنندگان را به خرید نیازهایشان مجاز کند. به طور نمونه چه بسا مصرف‌کننده به جای الزام به خرید برنامه رایانه‌ای مجاز به یک‌بار استفاده از آن (یا به مدت محدودی) باشد. مصرف‌کنندگان باید از حق انتخاب بیشتر و صاحبان حقوق نیز از امکان بهره‌گیری کامل‌تر از آثارشان برخوردار باشند. اما در عین حال رشد سریع قراردادهای الکترونیکی در عرصه کپی‌رایت چالش بزرگی را پیش‌رو می‌نهد. مجاز بودن به انعقاد مستقیم پیمان با مصرف‌کنندگان، صاحبان کپی‌رایت را به محدود کردن اقداماتی ترغیب می‌کند که جز با انعقاد قرارداد قابل اعمال نخواهد بود. در عین حال اقدامات محدود شده به واسطه پیمان‌های الکترونیکی بدون شک، اقداماتی هستند که تحت کنترل و هماهنگی با حقوق انحصاری کپی‌رایت هستند. مابقی چه به دلیل خارج بودن از محدوده این حقوق و چه به موجب واقع شدن در چارچوب یک استثناء، چندان قابل مهار نیستند. البته پس از آن، این مسئله پیش می‌آید که آیا این قبیل محدودیت‌های فراتر از چارچوب کپی‌رایت قابل اجرا هستند یا خیر. این محدودیت‌ها معمولاً در مورد اسرار تجاری که گستره توزیع محدودی دارند قابل اجرا هستند. در حالی که قابلیت اجرای آن‌ها در خصوص آثار دارای گستره توزیع وسیع مورد تردید است. در واقع با گسترده‌تر شدن محدوده توزیع، احتمالاً استثنائات کپی‌رایت و گستره آن با تردید بیشتری همراه خواهد بود. هر چه گستره وسیع‌تر شود، تضاد احتمالی میان مقررات خاص قرارداد و قوانین عام کپی‌رایت شدیدتر خواهد شد.

در برخی موارد ممکن است آن دسته از محدودیت‌های مطروحه در مورد قراردادها که فراتر از حوزه حقوق کپی‌رایت هستند، به موجب نظریه‌ها و مقررات خارج از نظام کپی‌رایت مانند قانون سوءاستفاده از حق یا رقابت یا قانون حمایت از مصرف‌کننده، فاقد قابلیت اجرا

باشند. اما تکیه بر این‌گونه نظریه‌ها مشکل‌آفرین و نتایج اعمال آن‌ها احتمالاً تا حدودی مخاطره‌آمیز خواهد بود. از این‌رو، بحث جالب‌تر و مهم‌تر این است که قوانین کپی‌رایت، خود تا چه حد می‌توانند توانایی اعمال این‌گونه استثنائات را محدود کنند.^{۱۳} استثنائات کپی‌رایت تا چه حد الزام‌آور است؟ آیا موادی از قانون در جهت حمایت «حقوق مصرف‌کنندگان» است؟ در ایالات متحده آمریکا، دربارهٔ موضوع فوق - به ویژه در ارتباط با درج مادهٔ جدیدی با عنوان ماده ۲B در قوانین متحدالشکل تجاری در خصوص قراردادهای الکترونیک - مباحثی در جریان است. از جمله پرسش‌هایی که منازعات جنجال‌برانگیزی را به راه انداخته است، این است که مجوزهای الکترونیک قراردادهای کلیک کنید تقه‌ای تا چه اندازه بر استثنائات حق کپی و حق بهره‌برداری عادلانه می‌تواند مقدم گشته و آنها را باطل و بی اثر سازند. اما در اروپا، این موضوع به تازگی مورد توجه واقع شده است. زیرا پیش از این، انعقاد پیمان مستقیم الکترونیکی با مصرف‌کنندگان آثار دارای کپی‌رایت در مقیاس وسیع رخ نداده بود و قانون‌گذاران اروپایی و دادگاه‌ها، هیچ یک با موضوع ماهیت الزام‌آور محدودیت‌ها و استثنائات عرصه کپی‌رایت به طور جدی مواجه نبوده‌اند.

چه بسا راهکار معضل به وجود آمده در زمینه انعقاد قراردادهای الکترونیکی دارای تولید انبوه بار دیگر به هنگام بازیابی میزان ابقاء، حذف، جرح و تعدیل یا افزودن به محدودیت‌ها و استثنائات نظام کپی‌رایت در عصر دیجیتال مورد تفکیک قرار گیرد. شاید صرف اظهار این‌که کلیه محدودیت‌ها و استثنائات نظام کپی‌رایت الزام‌آور هستند، بسیار افراطی و از دیگر سو عمل کردن بر خلاف آن نیز اقدام نابخردانه باشد. در عوض، شاید لازم باشد کلیه استثنائات و محدودیت‌ها را به منظور تعیین الزام‌آور بودن آن‌ها و حتی در نظر گرفتن ملاحظات نظم عمومی مورد ارزیابی قرار داد. تا از این طریق به محدودیت‌ها و چارچوب‌های مشخص و معین دست یافت.

به طور مثال نظریه تفکیک بین عقیده و اظهار آن محدودیت قراردادی است که می‌تواند برخورداری از حق تألیف را تحت الشعاع خود قرار دهد. اعمال چنین محدودیتی، مسائل جدی در خصوص آزادی بیان مطرح کند. همچنین مسائل مهم دیگری نیز در چارچوب نقش جدید کپی‌رایت، به منزلهٔ ابزار حمایت از محصولات اساساً صنعتی، نظیر برنامه‌های رایانه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال اعمال ممنوعیت در مورد استفادهٔ دارندهٔ مجوز از مشخصات یک برنامهٔ رایانه‌ای مشکلاتی به همراه دارد. راه حل اینست که اعمال محدودیت‌های

مبتنی بر عقاید و آراء در مورد برنامه‌های رایانه‌ای باید بر اساس عدم لطمه به کارآمدی، حمایت از دو طرف پدیدآورنده و مصرف‌کننده و در چارچوب قوانینی مانند قانون حق ثبت نرم‌افزارها سامان پذیرد.^{۱۴}

آیا ممنوعیت قراردادی در مورد ایجاد و اعمال نقیضه‌ها قابل اجرا است؟ آیا ممنوعیت نقل قول قابل اجرا است؟ پیامدهای اعمال این قبیل ممنوعیت‌ها برای آزادی بیان امر بدیهی است. وضعیت ممنوعیت قراردادی فعالیت‌های علمی - تحقیقی که به موجب یک استثناء مجاز می‌شوند یا ممنوعیت استفاده افراد دارای نقص عضو از آثار دیگران که قانون کپی‌رایت این امر را مجاز دانسته، چگونه است؟ شاید محدودیت‌ها و استثنائاتی با این نوع ماهیت بنیادین الزام‌آور باشند. در حالی که در مورد سایر استثنائات، به دلیل توجه محدودتر عموم، چنین الزامی وجود ندارد. چه بسا استثناء موجود در قوانین ایالات متحده در زمینه اجرای آثار موسیقی در نمایشگاه‌های گل کاری چنین الزامی را ایجاب ننماید. البته در مورد استثنائات حد وسطی نیز مطرح است که احتمالاً رفع ماهیت الزام‌آور آن‌ها مشکل به نظر می‌رسد. به طور مثال احتمال می‌رود مباحث پیچیده‌ای در چارچوب برخی استثنائات نظیر «استفاده شخصی» به میان آید که در این چارچوب، تعیین میزان الزام‌آور بودن این قبیل محدودیت‌ها احتمالاً چالش‌هایی برمی‌انگیزد. افزون بر این آن‌چه در این میان مسائل را پیچیده‌تر می‌کند، آن است که برخی استثنائات باید در شرایط خاصی الزام‌آور و در شرایط متفاوت دیگر این‌گونه نباشند.

قانون‌گذاران اروپایی پیشتر فرایند تفکیک استثنائات را شناسایی کرده‌اند. مثلاً «رهنمودهای شورای اتحادیه اروپا در خصوص برنامه‌های رایانه‌ای» آشکارا تصریح می‌کند استثنائات موجود در مورد نسخه‌های ذخیره و مهندسی معکوس (اعم از متلاشی کردن) الزام‌آور هستند. همچنین، «رهنمود پایگاه اطلاعاتی» تصریح می‌دارد «هرگونه مفاد قراردادی مغایر با مواد قانون فاقد اعتبار است.»^{۱۵} با توجه به این تجربه می‌توان این‌گونه پرسید چرا قانون‌گذاران عین این فرایند را در مورد چارچوب طرح «رهنمود کپی‌رایت» به اجرا نمی‌گذارند.^{۱۶}

البته هیچ یک از عناصر موجود در طرح کپی‌رایت به تنهایی قادر به منع اعضا از توجه به این مسئله نخواهد بود و مناسب است هر یک از اعضا در وهله اول به تعیین الزام‌آور بودن محدودیت‌ها و استثنائات بپردازد. اما با توجه به فراگیری قریب‌الوقوع پیمان‌گذاری‌های الکترونیکی در خصوص آثار برخوردار از حق پدیدآورندگی، به نظر می‌رسد فقدان هماهنگی موجود حداقل به تهدیدی جدی برای تک - بازارها منجر خواهد شد و این همان عاقبتی است که ناهمخوانی‌ها برای مسائل عنوان شده در طرح کپی‌رایت رقم زده‌اند.^{۱۷}

در هر صورت قابلیت اجرای پیمان‌های الکترونیکی که مرز حمایت از محدودیت‌های نظام حقوق پدیدآورندگان را عملاً فراتر می‌برند یا با استثنائات این نظام در تضاد قرار می‌گیرند، مسئله‌ای است که مستلزم بحث و بررسی و عرضه برخی راهکارها است. در حقیقت بحث و گفت‌وگو دربارهٔ توازن کلی حقوق پدیدآورندگان در عصر دیجیتال بدون توجه به این موضوع و همچنین، مسئله مربوط به اقدامات فنی، به نسبت خالی از محتوی خواهد بود. حتی اگر قانون‌گذاران در حفظ توازن شایسته میان حقوق، محدودیت‌ها و استثنائات به موفقیت دست یابند و از سوی دیگر، صاحبان حق بتوانند نظام خاص خود را جایگزین سازند که محدودیت‌ها و استثنائات نظام فعلی در آن جایگاهی ندارند، آیا این اقدام آنان تأثیری خواهد داشت؟^{۱۸}

تحقق فراگیر اقدامات فنی گوناگون که بر دستیابی به آثار کپی‌رایت و بهره‌گیری از آن‌ها نظارت دارد، چالشی را در نظام حقوقی پدیدآورندگان موجب شده است که پرسش‌های مشابهی را برمی‌انگیزد. به رغم آن که بحث راجع به رابطهٔ میان پیمان‌های الکترونیکی و حقوق پدیدآورندگان تاکنون به قانون‌گذاری نینجامیده است، اما در عرصه اقدامات فنی به لحاظ وضع قانون، شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم.

همان‌گونه که در لایحه پیش‌نویس کمیسیون اروپا در زمینه کپی‌رایت و حقوق مربوط در جامعهٔ اطلاعاتی مطرح شده است، فن‌آوری اطلاعاتی فرصت‌های جدیدی را برای ردیابی، مراقبت و نظارت بر توزیع و بهره‌گیری از آثار نظام حقوق پدید آورندگان پیش‌رو می‌گذارد. بنا بر این بسیاری از صاحبان حقوق پدیدآورندگی بر این اعتقادند که تنها ابزار نظارت بر تکثیر آثار در عصر دیجیتال، به اصطلاح «سیستم‌های فنی حمایتی» جدید هستند. برخی سیستم‌های فنی حمایتی گه‌گاه مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۱۹} و برخی انواع قدرتمندتر که همان سیستم‌های رمزار هستند، کاربرد فوق‌العاده‌ای دارند.

با راهیابی به اقدامات فنی می‌توان بر «دسترسی»^{۲۰} به آثار و «تکثیر و نسخه‌برداری»^{۲۱} از آن‌ها نظارت داشت. بعد از نظارت، دسترسی به آثار را می‌توان با اقدامات فنی در قسمت خروجی خطوط اصلی (مثلاً در سایت شبکه تهیه‌کننده اطلاعات) یا در پایانه دریافت‌کننده (مثلاً در رمزگشا) عملی کرد. چنین اقداماتی را می‌توان حمایت از «خدمت»^{۲۲} و همچنین «محتوی و مضمون»^{۲۳} آن تلقی کرد. افزون بر این با اقدامات نظارتی هدایت‌کننده دسترسی می‌توان بر دستیابی استفاده‌کننده به اثر «پس» از در اختیار گرفتن آن (مثلاً با گرفتن اطلاعات از اینترنت با خرید سی. دی. رام) نظارت داشت. با تکیه بر اقدامات فنی می‌توان دستیابی

«اولیه» به اثر بیشتر به دست آمده یا دستیابی «متعاقب» به آن (به طور مثال با استفاده دائم از محصولی که بهره‌گیری از آن منوط به پرداخت وجه و ورود رمز است) مورد نظارت قرار داد. بعد از نظارت بر تکثیر، ساز و کارهای فنی مختلفی برای ممانعت از تکثیر آثار به خدمت گرفته شده‌اند. سیستم دارای گستره تحقق وسیع، سیستم مدیریت پیاپی کپی‌رایت (اس. سی. ام. اس)^{۲۴} است. این سیستم که تولیدکنندگان ابزار الکترونیکی مصرف‌کننده و صاحبان حقوق پدیدآورندگی در خصوص آن اتفاق نظر دارند، از تکثیرهای مجدد دیجیتالی نسخه تکثیر یافته ممانعت به عمل می‌آورد. به عبارت دیگر سیستم‌های اس. سی. ام. اس. صرفاً نسخه‌برداری اول از اثر را مجاز می‌دانند و از تکثیر مجدد نسخه‌برداری اولیه جلوگیری می‌کنند و بدین ترتیب نمی‌توان از آن به منزله «نسخه اصلی دیجیتالی» استفاده کرد. سایر اقدامات فنی نیز مانع از نسخه‌برداری از آثار دیجیتالی هستند. اقدامات فنی را گاهی می‌توان تضعیف کرد و به همین جهت صنعت کپی‌رایت طی چند سال اخیر در صدد وضع قوانینی بوده است که به موجب آن بتوان تولید و بازاریابی وسایلی را ممنوع کرد که گریز از اقدامات فنی را تسهیل کنند. این نیاز قانون‌گذاران را با مسائل پیچیده‌ای مواجه ساخته است که بفرنج‌ترین آن‌ها رابطه میان قانون‌گذاری «ضد گریز»^{۲۵} و محدودیت‌ها و استثنائات نظام حقوقی پدیدآورندگان است. در واقع معضل و دو راهی موجود در مورد اقدامات فنی آن است که اقدامات فنی می‌توانند هر دو نوع فعالیت‌های تخطی‌گرایانه و غیر تخطی‌گرایانه را محدود کنند. به طور مثال نوعی اقدام فنی که عامل ممانعت از نسخه‌برداری غیر مجاز است، در عین حال می‌تواند از اقدام افراد نابینا در جهت تبدیل آثار دیگران به خط بریل جلوگیری کند. این معضل مسائل پیچیده و به خصوص این موضوع را مطرح می‌کند که آیا باید محور قانون‌گذاری را بر «اعمال» گریز از اقدامات فنی یا ابزار هموارکننده زمینه گریز از اقدامات فنی قرار داد.

میانجی‌گری میان پدیدآورندگان گذشته و آینده و به طور کلی‌تر میان منافع خاص صاحبان حقوق پدیدآورندگی و منافع بسیار گسترده‌تر عام محور اصلی رسالت کپی‌رایت تلقی می‌شود. کپی‌رایت زمانی به نقش میانجی‌گر در جامعه دست می‌یابد که حقوق محکم‌تری را پایه‌گذاری و به برخی استثنائات و محدودیت‌ها منوط کند. حتی در صورتی که قانون کپی‌رایت نیز به منظور انطباق فن‌آوری دیجیتالی مورد جرح و تعدیل واقع شود، محدودیت‌ها و استثنائات همواره عناصر تفکیک‌ناپذیر حقوق انحصاری خواهند بود. خلاصه این که بدون انضمام محدودیت‌ها و استثنائات، کپی‌رایت دیگر کپی‌رایت نخواهد بود و به رسالت اصلی خویش نائل نمی‌آید.

با آن که پیش‌بینی آینده اساساً کار مشکلی است، به نظر می‌رسد صاحبان حقوق پدیدآورندگی بیشتر بر نظارت بهره‌برداری و استفاده از آثارشان به موجب پیمان‌های الکترونیکی و ابزار فنی متکی هستند و به اعمال حقوق پدیدآورندگی چندان توجهی ندارند. از آن‌جا که پیمان‌های الکترونیکی و ابزار فنی مزبور نه به موجب قانون‌گذاری‌های علمی، بلکه شخصاً در اختیار گرفته شده‌اند، طبعاً محدوده وسیع‌تری را از حمایت ایجاد می‌نمایند که نظام کپی‌رایت قادر به عرضه آن نیست. میزان تهدید این وسعت برای قابلیت اعمال محدودیت‌ها و استثنائات کپی‌رایت به طور چشمگیری به دامنه قابلیت اعمال این قبیل پیمان‌های الکترونیکی و همچنین دامنه حمایت از اقدامات فنی منوط است. در حال حاضر قانون‌گذاران با این چالش مواجه هستند که چگونه میزان اتکا و تأکید اشخاص خصوصی را بر حقوق قراردادی برای دستیابی به حمایتی تعیین نمایند که نظام حقوقی پدیدآورندگان از آن‌ها به عمل نمی‌آورد. آنان باید به تعیین این مطلب نیز پردازند که قانون کپی‌رایت تا چه حد مانع از حرکت افراد در جهت شکست آن دسته از اقدامات فنی می‌شود که آنان را از پیوستن به فعالیت‌های مورد تأیید نظام کپی‌رایت بر حذر می‌دارد. تصمیمات اتخاذ شده در این موارد بر تعیین استمرار یا عدم استمرار توازن موجود در نظام حقوق پدیدآورندگان تأثیر بنیادین خواهد داشت. با توجه به موفقیت‌های نظام کپی‌رایت، عاقلانه آنست که قوانین این نظام را در عصر اطلاعاتی آتی محترم بشماریم و از ابزارهای جدید در اجرای بهتر آن استفاده نماییم.

پی‌نوشت

۱. ترجمه بخشی از نوشتار بلندی است که در سایت www.eblida.org/ecup/publica/vinje.rtf با عنوان Copyright Imperiled? آمده است. البته بخش‌هایی از آن بازنویسی شده است. ترجمه و بازنگری آن در تحریریه فصلنامه کتابهای اسلامی انجام یافته است.
۲. در این مقاله واژه کپی‌رایت در دو مورد نظام حقوقی آثار و حقوق نویسندگان به کار رفته است. تمایز میان این دو نظام موضوع آشکار است. اما مسائل اساسی مورد توجه در هر دو آن‌ها به صورت مشترک مطرح است. البته به کارگیری شکل مختصر «کپی‌رایت» نشان تقدم نظام کپی‌رایت بر نظام حقوق نویسندگان نیست.

3. Professor Spoor

۴. جی. اسپور، «ابعاد استثنائات و محدودیت‌های کپی‌رایت» عرضه شده در مجمع بین‌المللی ادب و هنر محدودهای کپی‌رایت: محدودیت و استثنائات مناسب، (کمبریج، انگلستان، سپتامبر ۱۹۹۸، ص ۱)؛ پروفیسور گینسبرگ نیز اظهار داشته است: «محدودیت‌های اعمال شده بر مضمون و حقوق ایجاد شده به موجب کپی‌رایت لازمه تأمین تعادل میان منافع خصوصی به حداکثر رساننده ثروت نویسندگان و به خصوص، صاحبان کپی‌رایت و مجموعه‌های رسانهای از یک سو و از سوی دیگر دسترسی عامه و منافع آموزشی مصرف‌کنندگان و نویسندگان بعدی است.» (جی. گینسبرگ، گزارش کلی درباره محدودیت‌های موجود در خارج از دامنه کپی‌رایت).

۵. البته تنظیم حقوق، خود یکی از مهم‌ترین محدوده‌های کپی‌رایت به شمار می‌آید و گاهی مناظرات تندی در این خصوص در می‌گیرد. در این مورد می‌توان به مناظره شدید پیرامون محدوده مناسب حق بازآفرینی در چارچوب «نسخه برداری موقت» اشاره کرد.

۶. واژه‌های «محدودیت‌ها و استثنائات» دادگاه‌ها و محققان نیستند. تأکید بر تفاوت‌های میان مفاهیم متناسب به این واژه‌ها ضروری است. صرف اظهار این مطلب کافی نیست که این استثنائات محدوده حقوق کپی‌رایت را تعیین می‌کنند.

۷. شاید جای تعجب باشد که تنوع وسیع محدودیت‌ها و استثنائات کپی‌رایت ندرتاً به لحاظ تفاوت بین دو نظام اصلی حق تکثیر (Copyright) - نظامی که کشورهایی همچون آمریکا و انگلیس که جزو کشورهای کامن لا هستند، از آن تبعیت می‌کنند - و نظام حق مؤلف (Author's Right) - سیستم مورد پذیرش کشورهای دارای حقوق نوشته همچون فرانسه و اسپانیا نمی‌باشد. حتی در بین کشورهای دارای مبنای مشترک نیز اختلافاتی به چشم می‌خورد که در واقع نشانگر تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی بین آنهاست.

8. Near-Industrial.

9. Reverse Engineering.

10. Ec Computer Program Directive.

۱۱. بیانیه مورد توافق ماده ۱۰، بیانیه‌های مورد توافق مرتبط با معاهده کپی‌رایت ویبو، سند CRNR/DC/۹۶ ویبو، بیست‌ویکم دسامبر ۱۹۹۶، ماده ۱۰ معاهده کپی‌رایت ویبو به طور قطع تصریح می‌دارد آزمون سه مرحله‌ای ماده ۹ (۲) مجمع برن در مورد کلیه حقوق نه صرف حق بازآفرینی، اعمال می‌شود. متن کامل بیانیه مورد توافق ماده ۱۰ تصریح می‌دارد: «این گونه مستفاد می‌شود مفاد ماده ۱۰ طرفین متعاقد را نسبت به جلو راندن و وارد ساختن آن دسته از محدودیت‌ها و استثنائات حقوق ملی خود که مورد پذیرش کنوانسیون برن بوده‌اند، به عرصه دیجیتال مجاز می‌داند. همچنین این مفاد باید به گونه‌ای استنباط شوند که به طرفین متعاقد اجازه ایجاد محدودیت‌ها و استثنائات متناسب با محیط شبکه دیجیتال دهد. نیز می‌توان استنباط کرد که ماده ۱۰ (۲) نه از حوزه قابل اعمال محدودیت‌ها و استثنائات تأیید شده به موجب کنوانسیون برن می‌کاهد نه آن را می‌گسترده».

۱۲. ماده ۹ (۲) کنوانسیون برن تصریح می‌کند: «به قانونگذاران کشورهای عضو اجازه داده می‌شود که در قوانین خود بازآفرینی اثر را در موارد خاص به رسمیت شناسند به شرطی که بازآفرینی با بهره‌برداری معمولی از اثر منافات نداشته باشد و به منافع مشروع خالق اثر لطمه غیر متعارف وارد نکند».

۱۳. به نظر می‌رسد از دیگر موضوعات مرتبط با مسأله این است که حقوق قراردادها تا چه اندازه تحت تأثیر محدودیت‌ها و استثنائات قانون کپی‌رایت قرار می‌گیرد.

۱۴. البته برنامه‌های رایانه‌ای، حمایت از حق انحصاری اختراعات مخصوص به خود را دارا هستند (اما صرفاً در صورت رعایت معیارهای قابلیت ثبت اختراعات) و چه بسا حمایت از «عقاید» در متن محصول نرم‌افزاری دارای گستره توزیع محدود که در محیط محرمانه تجاری مجوز یافته‌اند، امر شایسته و معتبری باشد. خطر واقعی در چارچوب ممنوعیت‌های انبوه - بازارها به وجود می‌آید.

۱۵. ماده ۵، رهنمود ۹۶/۹/EC در یازدهم مارس ۱۹۹۶، در خصوص حمایت حقوقی از پایگاه‌های اطلاعاتی («رهنمود پایگاه‌های اطلاعاتی» [۱۹۹۶] OJ L۷۷).

۱۶. طرح کمیسیون در مورد رهنمود ویژه کپی‌رایت و حقوق مربوطه در جامعه اطلاعاتی، «طرح کپی‌رایت» [۱۹۹۸] C ۱۰۸/۶ [۱۹۹۸] ۶۲۸ (۹۷) com.

۱۷. بر اساس گزارش‌های ملی عرضه شده در انجمن بین‌المللی ادب و هنر در کمبریج، فقط برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا اخیراً استثنائات نظام کپی‌رایت را الزام‌آور می‌دانند. حداقل این است که فرد برخی استثنائات را الزام‌آور عنوان می‌کند و بقیه را نمی‌پذیرد.

۱۸. رال - گیبولت، (چنانچه صاحبان حقوق بدون توجه به مقررات نظام حقوقی پدید آورندگان می‌توانستند به موجب قرار داد، مفاد و شرایط بهره‌گیری از آثار را با مصونیت کامل تحمیل کنند، توافق نظام کپی‌رایت به شدت به مخاطره می‌افتاد. در این صورت نظام کپی‌رایت به بازیچه‌ای در دست مجوز انبوه - بازارها و اقدامات عرصه فن آوری تنزل می‌یافت.)

۱۹. به طور نمونه قفل‌های سخت‌افزاری به منظور محدودیت استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای برای رایانه واحد به کار گرفته شده‌اند: به طور مثال به قضیه «شرکت اتو اسک در برابر دیاسون» (استرالیا)، ۳۳۰ CLR ۱۷۳ [۱۹۹۲] مراجعه شود.

20. Access.
21. Coping.
22. Service.
23. Content.
24. SCMS یا Serial Copyright Management System.
25. Anti-circumvention.

